# مراسم تشییع و تدفین پیکر مطهر حضرت رضا 7

سیدحسن حسینی[1]

دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ ـ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۰

## چکیده

این مقاله سعی بر آن دارد وقایع و حوادث پس از شهادت حضرت رضا 7 و مراسم تشییع و تدفین آن حضرت را در توس، از طریق بررسی متون تاریخی و حدیثی به تصویر کشد و به نقش مأمون و شرکت و مدیریت وی بر تمام مراحل مراسم تشییع آن حضرت اشاره کند. همچنین برگزاری باشکوه مراسم با حضور قشرهای مختلف مردم و از جمله زنان و سرانجام تدفین ایشان در سمت قبلهٔ قبر هارون را با جزئیات اتفاقاتی که رخ داده، از زبان راویان مختلف این خبر، از جمله اباصلت هروی، محمد بن جهم، یاسر خادم و دیگران بیان کند. در پایان تجزیه و تحلیل اخبار وارده در این‌خصوص و یک جمع‌بندی از آراء و نظریات مختلف ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** امام رضا 7 ، مأمون، توس، تشییع جنازه، زنان نوغان.

---

۱ . بنیاد پژوهشهای اسلامی، گروه تراجم و انساب.

## درآمد

مأمون عباسی با انتصاب حضرت رضا 7 به ولایتعهدی، با خشم عباسیان بغداد روبه‌رو گردید. وی به‌رغم آنکه می‌توانست برای خلاصی از مکر و حیلهٔ عباسیان، فضل بن سهل را از وزارت برکنار کند و امام را نیز از ولایتعهدی بردارد، ولی از این کار سرباز زد و در راه بازگشت به بغداد، ابتدا فضل را در حمام سرخس کشت و سپس امام را در آخر صفر ۲۰۳ق در توس به شهادت رساند. همان‌طورکه درباره جزئیات نحوهٔ شهادت حضرت رضا 7 در بین منابع اختلاف نظر وجود دارد، در خصوص جزئیات و حواشی مراسم تشییع و تدفین بدن مطهر آن امام نیز اخبار و روایات متعدد و گاه متناقضی وجود دارد، که نظر واحدی را به خواننده ارائه نمی‌کند. بررسی متون تاریخی، منابع حدیثی و نظریات محققان معاصر می‌تواند به برخی سؤالات و ابهامات پیرامون این حادثه پاسخ دهد که در این مختصر به آن پرداخته شده است.

### الف ـ متون تاریخی

در میان منابع تاریخی مهم‌ترین و معتبرترین گزارش در خصوص تشییع پیکر حضرت رضا 7 متعلق به احمد بن اسحاق یعقوبی (م ۲۹۲ق)، مورخ برجستهٔ شیعی است. او جزئیات این واقعه را از زبان فردی به نام «ابی‌الحسن بن ابی‌عباد» در کتاب تاریخ خود بازگو می‌کند. وی می‌نویسد: «ابی‌الحسن بن ابی‌عباد گفت: در تشییع جنازهٔ رضا 7 مأمون را دیدم که قبایی سفید در برداشت و سربرهنه میان دو قائمهٔ نعش پیاده می‌رفت و می‌گفت: ای ابوالحسن پس از تو، به که دل‌خوش باشم و سه روز نزد قبرش اقامت گزید و هر روز قرصی نان و مقداری نمک برای او می‌آوردند و خوراکش همان بود. سپس در روز

چهام بازگشت.»[1]

پس از وی، مورخان دیگر همچون محمد بن جریر طبری (۲۲۴ـ۳۱۰ق)، ابوالحسن علی مسعودی (۲۸۳ ـ ۳۴۶ق)، ابن جوزی (م ۵۹۷ق)، ابن اثیر (۵۵۵ ـ ۶۳۰ق)، عمادالدین اسماعیل ابی‌الفدا (م ۷۳۴ق) و ابن کثیر (م ۷۷۴ق) بر این مطلب تأکید دارند که پس از شهادت حضرت رضا 7 مأمون خود بر جنازهٔ آن حضرت 7 نماز خواند و سپس دستور داد او را در کنار قبر پدرش هارون دفن کنند.[2] ابن اثیر از ماندن مأمون برای مدتی پس از این واقعه، در جوار قبر پدرش هارون خبر می‌دهد،[3] ولی به این اشاره‌ای ندارد که ماندن وی برای عزاداری بر حضرت رضا 7 بوده است. سبط بن جوزی (م ۶۵۴ق) عنوان می‌کند: مأمون چند روزی برای عزاداری در توس ماند و غذا و نوشیدنی نخورد و از لذات دوری کرد.[4]

### ب ـ منابع حدیثی

در میان منابع حدیثی شیعه بیشترین مطلب را شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در ***عیون اخبارالرضا*** در خصوص مراسم تشییع جنازهٔ حضرت رضا 7 آورده است. علاوه بر او، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، فتال نیشابوری (م ۵۰۸ق) ابن‌شهرآشوب (م ۵۸۸) و دیگران نیز روایاتی را در این باره آورده‌اند. به‌طور کلی این خبر را پنج نفر از راویان حدیث شیعه به نام‌های اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی، علی بن حسین کاتب بغاء کبیر، محمد بن جهم، هرثمة بن اعین و یاسر خادم در منابع حدیثی

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱ . یعقوبی، احمد بن اسحاق، ***تاریخ یعقوبی***، ج۲، ص ۳۱۸.

۲ . طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج۷، ۱۵۰؛ مسعودی، علی بن حسین، ***مروج الذهب*** (ترجمه)، ج۲، ص۴۴۲؛ ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی ***تذکرة الخواص***، ج۱۰، ص ۱۱۵؛ ابن اثیر، عزالدین علی، ***الکامل فی التاریخ***، ج۴، ص ۱۷۸؛ ابی الفداء، عمادالدین اسماعیل، ***المختصر فی اخبار البشر***، ج۲، ص ۲۳؛ ابن کثیر دمشقی، ابی‌الفداء حافظ، ***البدایة و النهایة***، ج۱۰، ص ۲۶۴.

۳ . ابن اثیر، ***الکامل فی التاریخ***، ج ۴، ص ۱۷۸.

۴ . سبط بن جوزی، ***تذکرة الخواص***، ص ۴۴۴.

نقل کرده‌اند.

**۱. اباصلت هروی**

اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی که در دو سال پایانی حیات حضرت رضا 7 همواره ملازم ایشان بوده است، در خصوص تشییع بدن آن حضرت عنوان می‌کند که پس از شهادت حضرت رضا 7 ، مأمون به حجره‌ای که جنازهٔ امام 7 قرار داشت، رفت. گریبانش را پاره کرد و بر سر و صورتش می‌زد و می‌گفت: «سرور من، آقای من، مرگ تو مرا به مصیبت انداخت.» سپس دستور داد آن حضرت را تجهیز کنند و قبر شریف او را حفر نمایند، ابتدا خواستند در پشت سرِ هارون قبر مطهّر آن حضرت را حفر کنند، اباصلت شروع به کندن قبر نمود، ولی ممکن نشد. یکی از اهل آن مجلس به مأمون گفت: «تو اعتقاد به امامت او داری؟ مأمون گفت: آری، آن مرد گفت: امام چه در حیات و چه در ممات باید بر همه کس مقدّم باشد.» سپس مأمون فرمان داد که قبر امام را در سمت قبله حفر نمایند. پس از آن اباصلت که از قبل توسط امام برای تدفین آن حضرت توجیه شده بود، دست به کار شد و ایشان را در سمت قبلهٔ قبر هارون دفن کرد و مراجعت نمود.[۱]

طبق این روایت:

الف ـ تشییع پیکر مطهر حضرت رضا 7 بدون وقفه انجام شد.

ب ـ امام اباصلت را از جزئیات شهادت و دفن خود آگاه ساخته بود.

ج ـ انجام جزئیات تدفین حضرت (کندن قبر و...) توسط اباصلت صورت گرفت.

د ـ مأمون بر مراحل انجام مراسم تدفین نظارت داشت.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱ - ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا***، ج۲، ص۵۹۸ـ۵۹۹؛ ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ***مناقب آل ابی‌طالب***، ج۳، ص۴۸۳؛ طبرسی، احمد بن علی، ***اعلام الوری***، ج۲، ۸۴ - ۸۵؛ اربلی، علی بن عیسی ***کشف الغمّة***، ج۳، ص۷۵ـ۷۶. روایت اباصلت و برخی روایات دیگر که در این مقاله آمده، به دلیل طولانی بودن خلاصه شده و عین عبارت نیست.

هـ ـ پیکر حضرت رضا 7 در سمت قبلهٔ قبر هارون دفن شد.

**۲. علی بن حسین کاتب بغاء کبیر**

شیخ صدوق نخستین روایت خود را در باب شهادت حضرت رضا 7 از علی بن حسین کاتب بغاء کبیر نقل می‌نماید. وی عنوان می‌کند صبح روز بعد از شهادت حضرت رضا 7 ، مأمون دستور داد به سرعت جنازه را غسل داده، کفن کردند و خود پشت سر جنازه با پای برهنه، بدون عمامه و کلاه می‌رفت و می‌گفت: «ای برادرم به سبب فوت تو رخنه‌ای در اسلام پدید آمد و مقدرات الهی بر کوشش من در حق تو غلبه کرد.» سپس قبر پدرش هارون را شکافت و امام را در قبر او به خاک سپرد و گفت: «امیدوارم خداوند تبارک و تعالی به‌واسطهٔ نزدیکی این جنازه، به پدرم نفعی رساند.»[1]

طبق این روایت:

الف ـ تشییع پیکر مطهر حضرت رضا 7 بدون وقفه انجام شد.

ب ـ مأمون در مراسم تشییع با پای برهنه، بدون عمامه و کلاه در پشت سر جنازه شرکت داشت.

ج ـ قبر هارون شکافته شد و پیکر حضرت رضا 7 در آن قبر دفن شد.

**۳. محمد بن جهم**

در برخی منابع حدیثی به نقل از محمد بن جهم آمده است که پس از شهادت امام، «مأمون یک شبانه‌روز این موضوع را از دیگران پنهان کرد. سپس دنبال محمد بن جعفر الصادق 7 و گروهی از خانواده و دودمان ابوطالب که در خراسان بودند، فرستاد. هنگامی‌که حاضر شدند، جنازهٔ آن حضرت را صحیح و سالم به آنها نشان داد، سپس دستور داد آن حضرت را غسل داده، کفن و حنوط کنند و خود جنازه را برداشته در محل

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا***، ج۲، ص ۵۸۸ـ۵۸۹؛ مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، ج۴۹، ص ۳۰۵.

کنونی قبر حضرت به خاک سپرد.»[1]

طبق این روایت:

الف ـ خبر شهادت حضرت رضا 7 به مدت یک شبانه‌روز مخفی بود و در تشییع جنازه وقفه ایجاد شد.

ب ـ مأمون دنبال محمد بن جعفر الصادق 7 ، عموی امام و دیگر علویان خراسان فرستاد و بدن سالم امام را به آنها نشان داد.

ج ـ مراحل مختلف تشییع و تدفین پیکر امام توسط شخص مأمون انجام شد.

**۴. یاسر خادم**

یاسر که از خدمتگزاران حضرت رضا 7 به شمار می‌رفت، درباره لحظات پایانی حیات آن حضرت و تشییع پیکر ایشان گزارش می‌دهد: «در روز آخر عمر حضرت رضا 7 که ایشان بسیار ضعیف شده بود، پس از ادای نماز ظهر، چون همه از خوردن غذا فارغ شدند، ضعف بر آن حضرت غالب شده بیهوش گردید. صدای شیون و زاری از خانهٔ امام رضا 7 بلند شد، زنان و کنیزان مأمون با سر و پای برهنه به خانهٔ امام آمدند، خروش از مردم برآمد، فغان و شیون سراسر توس را فرا گرفت. چون پاسی از شب گذشت، امام رضا 7 به عالم قدس رحلت نمود. صبح روز بعد مردم جمع شدند و می‌گفتند: مأمون، امام رضا 7 را با حیله به شهادت رسانده است، شعار می‌دادند که فرزند رسول خدا شهید شده و شورشی علیه مأمون برپا شد، مأمون ترسید که اگر جنازهٔ حضرت را در آن روز بیرون ببرند، فتنه برپا شود، از این رو محمّد بن جعفر، عموی امام رضا 7 را خواست و گفت: ای ابوجعفر! به میان مردم برو و بگو: امروز پیکر آن حضرت تشییع نمی‌شود. او نزد مردم رفت و گفت: ای مردم متفرق شوید؛ زیرا جنازه امروز تشییع

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. مفید، محمد بن محمد، ***الارشاد***، ج۲، ص ۲۶۲ـ ۲۶۳؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ***روضة الواعظین***، ص۲۳۳؛ اصفهانی، ابوالفرج، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۳۷۸؛ حلی، حسن بن یوسف، ***المستجاد من الارشاد***، ص ۲۰۸ - ۲۰۹؛ مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، ج۴۹، ص ۳۰۹.

نمی‌شود. مردم پراکنده شدند، آن‌گاه امام رضا 7 را شبانه غسل دادند و در شب دفن کردند.» در ادامه راوی عنوان می‌کند که «یاسر چیزی به من گفت که خوش ندارم آن‌را در کتاب بیاورم.»[1]

طبق ابن روایت:

الف ـ شیون و زاری زنان و آمدن زنان و کنیزانِ دربار مأمون به خانهٔ امام لحظاتی قبل از شهادت ایشان بود.

ب ـ اهالی توس از وخامت حال امام لحظاتی قبل از شهادت ایشان آگاه شدند.

ج ـ شورش مردم توس علیه مأمون علنی شد.

د ـ مأمون تشییع جنازهٔ امام را از ترس ایجاد فتنه به تأخیر انداخت.

هـ ـ مراسم تشییع و تدفین در شب صورت گرفت.

و ـ وجود اتفاقاتی در مراسم تشییع که شیخ صدوق خوش نداشته آنها را در کتابش ثبت کند.

**۵. هرثمة بن اعین**

هرثمة بن اعین از فرماندهان برجستهٔ سپاه هارون و مأمون به شمار می‌آمد. در روایت منسوب به وی آمده که پس از شهادت امام 7 ، صدای ناله و شیون از خانهٔ حضرت بلند شد و مأمون با سرِ برهنه با دکمه‌های باز ایستاده بود و می‌گریست. فردای روز شهادت، مأمون به عزاداری نشست و سپس در بقعهٔ هارونی زمانی که خواست جنازه را خود غسل دهد، هرثمه پیش او رفت و او را از این کار منع کرد و سخنان شب قبل امام را در خصوص اتفاقاتی که در هنگام دفن بدنش پیش‌بینی کرده بود، برای مأمون بازگو کرد. پس از آن خیمه‌ای برپا شد و بدن امام در پشت آن غسل و کفن شد. سپس مأمون و حاضران بر جنازهٔ وی نماز خواندند و او را به موضع قبر بردند و هرثمه کلنگی در سمت قبلهٔ قبر هارون بر زمین زد و قبری آماده شد و جنازه را کنار قبر برد. سپس فرد دیگری غیر از حاضران مجلس جنازهٔ حضرت را در داخل قبر گذاشت و قبر خود پر شد و به شکل مربع

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱ ـ ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا***، ج۲، ص۵۹۰ - ۵۹۱.

درآمد.[1]

طبق این روایت:

الف ـ صدای شیون و زاری پس از شهادت حضرت رضا 7 از خانهٔ آن حضرت بلند شد.

ب ـ مأمون بلافاصله روز بعد از شهادت امام، به انجام مراسم تشییع جنازه پرداخت.

ج ـ امام قبل از شهادت، هرثمه را از جزئیات نحوهٔ شهادت و دفن خود آگاه ساخته بود.

د ـ هرثمه محل قبر را مشخص کرد.

هـ ـ فرد دیگری غیر از حاضران مراسم، جنازهٔ حضرت را در قبر گذاشت.

این روایت که از لحاظ ساختار شباهت خاصی به روایت اباصلت از شهادت و تدفین حضرت رضا 7 دارد، خالی از اغراق و تحریف نیست و در اصل اعتبار چندانی ندارد؛ زیرا هرثمه قبل از شهادت امام در سال ۲۰۰ یا ۲۰۱ق در زندان مأمون در مرو مرد[2] یا به قولی کشته شد.[3] او نمی‌تواند شاهد شهادت حضرت رضا 7 و راوی این جریان باشد. جای این سؤال باقی است که چگونه امام برای هر دو شخص (اباصلت و هرثمه) مشخصات قبر خود و حوادثی را که در موقع اجرای مراسم تدفین رخ خواهد داد، با اندکی تغییرات بازگو کرده؟! و هر دو مدعی هستند که با توجه به اتفاقاتی که روز تدفین پیکر حضرت پیش آمد، مأمون با راهنمایی‌های آنها امام را در طرف قبلهٔ بقعهٔ هارونی به خاک

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱ـ همان، ج ۲، ص۶۰۹؛ طبری، محمد بن جریر، ***دلائل الامامة***، ص۳۵۱ـ۳۵۳؛ حسین بن عبدالوهاب، ***عیون المعجزات***، ص ۱۰۴ـ۱۰۶.

۲ . یعقوبی، احمد بن اسحاق، ***تاریخ یعقوبی***، ج۲، ص۳۱۶.

۳ . طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الامم والملوک***، ج۷، ص ۱۲۹ ـ۱۳۰. البته تحلیل‌های دیگری نیز می‌توان ارائه کرد، از جمله اینکه ممکن است فرد دیگری به نام هرثمة بن اعین از راویان امام رضا 7 وجود داشته، که غیر از هرثمهٔ سردار باشد یا اینکه راوی یحیی پسر هرثمه بوده و نامش در سلسلهٔ راویان افتاده باشد.

سپرد.

چنانچه از بین دو روایت بخواهیم یکی را برگزینیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه روایت اباصلت را به‌رغم اینکه به نظر می‌رسد نوعی مکاشفه یا اندک تحریفاتی نیز در آن صورت گرفته است، بپذیریم. این احتمال وجود دارد نوعی خلط در اصل روایت اباصلت رخ داده و به اشتباه آن را به هرثمه نسبت داده باشند.

### ج- تحقیقات معاصران

اغلب محققانی که به بررسی زندگی حضرت رضا 7 پرداخته‌اند، با توجه به کاوش‌هایی که در منابع متقدم صورت داده‌اند، نظر بر این دارند که مراسم تشییع جنازهٔ حضرت رضا 7 با شکوه و عظمت خاصی در توس برگزار شده است.[1] به نظر می‌رسد بیشتر آنها تحت تأثیر خبر درج شده در ***تاریخ یعقوبی*** در خصوص تشییع پیکر امام 7 هستند. به عنوان نمونه سیداحمد رضوی دزفولی چنین می‌نویسد: «جنازهٔ امام بر دوش مردم به سوی بقعهٔ هارونی برده شد. هیچ‌کس اعم از لشکری و کشوری نماند مگر آنکه به دنبال جنازه می‌رفت. همه با سر و پای برهنه بودند. همه از این ماتم عظمی می‌گریستند و بر سر می‌کوفتند. همه فریاد «واعلیا» بر آسمان می‌رساندند. بلوایی بود چون قیامت، که نظیرش را کس ندیده بود.»[2]

همچنین علامه باقر شریف قرشی چنین گزارش می‌دهد: «مردم جنازهٔ امام را تشییع کردند، به‌طوری که خراسان در طول تاریخ خود هرگز شاهد چنین تشییع جنازه‌ای نبوده است. تمام ادارات رسمی و مغازه‌های تجاری بسته شدند و همهٔ طبقات مردم به سرعت به تشییع پیکر امام اقدام کردند، در حالی که یا اشک می‌ریختند و یا ساکت بودند. پرچم‌های سیاه برافراشته شد و سیلاب اشک از هر طرف برخاست. پیشاپیش جنازه،

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. رضوی دزفولی، سیداحمد، ***زندگانی شمس‌الهدی حضرت علی بن موسی الرضا***، ص ۲۳۰؛ شریف قرشی، باقر، ***پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا***، ص ۵۸۷- ۵۸۸؛ عطاردی، عزیزالله، ***تاریخ آستان قدس رضوی***، ج۱، ص ۵۰.

۲. رضوی دزفولی، سیداحمد، ***زندگانی شمس‌الهدی حضرت علی بن موسی الرضا***، ص ۲۳۰.

مأمون سر و پا برهنه راه می‌رفت و پشت سر او وزرا و بزرگان دولت و لشکریان بودند و آنها فضایل امام و خسارت سنگینی را که جامعه با از دست دادن او متحمل شده بود، ذکر می‌کردند.»[1]

### د ـ روایتی فاقد سند

بنا بر روایتی مشهور، اما بدون سند، که اغلب توسط مداحان در سال‌های اخیر مطرح شده است، زنان نوغان هنگامی که از شهادت امام رضا 7 باخبر شدند، با بخشیدن مهریه‌های خود به شوهرانشان، اجازه گرفتند تا در تشییع جنازهٔ آن حضرت شرکت کنند. برخی این موضوع را طوری وانمود می‌کنند که در آن شرایط جنازهٔ مطهر حضرت رضا 7 بر روی زمین مانده بوده و مردان از ترس دستگاه ظلم و جور مأمون جرئت شرکت در مراسم تشییع حضرت را نداشته و زنان پیشگامی کرده، این مراسم را انجام داده‌اند.[2]

این مطلب اگرچه در هیچ‌یک از منابع معتبر تاریخی و حدیثی شیعه و اهل سنت نقل نشده، لیکن بر سر زبان‌هاست و سینه به سینه از نسل‌های گذشته به زمان حال انتقال یافته است. شاید بتوان با واکاوی روایت یاسر خادم از شهادت حضرت رضا 7 توجیهی برای افرادی که این مسئله را مطرح کرده‌اند، پیدا کرد. در روایت یاسر آمده است که لحظاتی قبل از شهادت امام، آن‌گاه که ضعف بر آن حضرت غالب شد و بیهوش گردید، صدای شیون و زاری از خانهٔ ایشان 7 بلند شد، «زنان و کنیزان مأمون با سر و پای برهنه به خانهٔ امام آمدند، خروش از مردم برآمد، فغان و شیون سراسر توس را فراگرفت.» یاسر در ادامه از شورش مردم و به تأخیر افتادن مراسم تشییع جنازه و همچنین دفن حضرت در شبانگاهان خبر می‌دهد. شاید این قسمت از خبر توسط راویان بعدی

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱ . شریف قرشی، باقر، ***پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا***، ص ۵۸۷- ۵۸۸.

۲ . http://shahr.ir/fa/news سایت خبری تحلیلی شهر، ۱۴ بهمن ۱۳۸۹؛

shttp://shabestan.ir/NSite/FullStory/New، خبرگزاری شبستان، مورخهٔ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱؛

http://www.irna.ir/fa/News، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۱۰/۲۳.

دستخوش تغییر و تبدیل شده و داستان شرکت زنان نوغان در تشییع پیکر امام رضا 7 از این روایت برگرفته شده باشد. این امر آن‌گاه جلب توجه می‌کند که شیخِ صدوق در پایان خبر یاسر می‌آورد: «یاسر چیزی به من گفت که خوش ندارم آن‌را در کتاب بیاورم.»[1]

در تحلیل مسئله باید گفت که شرکت زن‌های نوغان در مراسم تشییع پیکر حضرت رضا 7 اگرچه انکارپذیر نیست، ولی به گونه‌ای نبوده که بدن مطهر آن امام بر روی زمین مانده باشد و تنها آنها این مراسم را انجام داده باشند، بلکه علاوه بر شرکت قشرهای مختلف مردم در مراسم تشییع آن حضرت، زنان روستای نوغان که در فاصلهٔ اندکی از مقبرهٔ هارونی زندگی می‌کردند، نیز در این مراسم شرکت نمودند.

در اینجا یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱. با علم به اینکه مأمون امام را به شهادت رسانده است، ولی با کیاست و هوش سیاسی که از وی سراغ داریم، آیا انتظار آن نمی‌رفت مراسم تشییع را هر چه باشکوه‌تر برگزار کند و ظاهرسازی پیشه نماید و ریاکاری به خرج دهد، تا مردم باور کنند امام به مرگ طبیعی از دنیا رفته و مأمون نقشی در مرگ ایشان نداشته است؟ از طرف دیگر با شهادت امام، مأمون از شلوغ شدن مراسم تشییع آن حضرت و ازدحام جمعیت آن‌گونه که روز نماز باران و نماز عید در مرو اتفاق افتاد، دیگر ترس و نگرانی خاصی نداشت.

۲. چگونه می‌توان باور داشت که ولیعهد جهان اسلام از دنیا رفته باشد و آن‌گونه که در این روایت فاقد سند مطرح شده، تنها چند زن مراسم تشییع او را برگزار کنند و تابوت وی را حمل نمایند. رسم معمول تمام دربارها از ابتدای تاریخ بر این بوده که مراسم فوت بزرگان دربار را با عظمت خاصی برپا دارند و قشرها مختلف مردم در آن شرکت جویند. چطور مأمون؛ خلیفهٔ جهان اسلام خود در تشییع جنازهٔ آن حضرت شرکت کند و دیگر درباریان و مردم از شرکت در این مراسم ترس و ابایی داشته باشند.

۳. تصریح متون تاریخی گواه بر این است که این مراسم با شکوه هرچه بیشتر برگزار شده و مأمون خود پیشقراول این مراسم بوده است و ظاهراً بر بدن امام نماز گزارده است.

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ***عیون اخبار الرضا***، ج۲، ص۵۹۰ - ۵۹۱.

مأمون که برای فریب دادن افکار عمومی خراسانیان و شیعیان سه روز بر سر مرقد امام عزاداری کرد، و از خوردن اطعمه و اشربه صرف‌نظر کرد، چگونه راضی می‌شد پیکر امام را شبانه و بدون شرکت قشرهای مختلف مردم تشییع کند؟ مگر این امر دشمنی او با امام و شهادت آن حضرت توسط وی را برملا نمی‌کرد؟

۴. آیا پیش کشیدن این مسئله که تنها شماری از زنان بدن مطهر حضرت رضا 7 را تشییع کرده‌اند، به خاطر اینکه مظلومیت امام را نشان دهد، توهین بزرگی به ساحت مقدس آن امام معصوم نیست؟

۵. آیا امام رضا 7 خویشاوندان، دوستداران و طرفدارانی نداشته است، که در مراسم تشییع وی شرکت جویند؟ مگر تصریح منابع بر این نیست که پس از شهادت حضرت، مأمون صبر کرد تا محمد بن جعفر الصادق، عموی امام و علویان خراسان که خویشاوندان امام به شمار می‌رفتند، به توس بیایند، تا بدن سالم وی را به آنها نشان دهد. اینان هنگام تشییع پیکر حضرت کجا بودند؟

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه از جمع‌بندی روایات می‌توان به دست داد اینکه به رغم وجود تناقضاتی که میان روایات مربوط به شهادت امام رضا 7 وجود دارد، ولی وجه اشتراکات زیادی نیز بین آنها و به‌خصوص بین دو روایت محمد بن جهم و یاسر خادم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد اگر خواسته باشیم بین منابع تاریخی و حدیثی دو خبر را در خصوص نحوهٔ تشییع و تدفین حضرت رضا 7 انتخاب کنیم، ناگزیریم به گزارش «ابی‌الحسن بن ابی‌عباد»[1] که یعقوبی در ***تاریخ*** خود آن را آورده است و روایت «محمد بن جهم»[2] که در اغلب منابع

□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□□

۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ***تاریخ یعقوبی***، ج۲، ص ۳۱۸.

۲. مفید، محمد بن محمد، ***الارشاد***، ج۲، ص ۲۶۲ -۲۶۳؛ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ***روضة الواعظین***، ص۲۳۳؛ اصفهانی، ابوالفرج، ***مقاتل الطالبیین***، ص ۳۷۸؛ حلی، حسن بن یوسف، ***المستجاد من الارشاد***، ص۲۰۸- ۲۰۹؛ مجلسی، محمدباقر، ***بحار الانوار***، ج۴۹، ص ۳۰۹.

حدیثی شیعه وجود دارد، اعتماد نماییم.

بر این اساس نتیجه می‌گیریم که پس از شهادت حضرت رضا 7 توسط مأمون، وی برای اینکه خود را از تهمت قتل آن حضرت مبرا کند، پس از آنکه جنازهٔ سالم آن حضرت را به عمو و خویشاوندانش نشان داد، مراسم تشیع و تدفین آن امام را با شکوه و عظمت هرچه بیشتر برگزار کرد و خود بر تمام مراحل برگزاری این مراسم نظارت داشت و به ظاهر بر بدن آن امام نماز خواند و در سمت قبلهٔ قبر پدرش، ایشان را دفن کرد و برای تکمیل ریاکاری خود، سه روز بر سر مرقد آن حضرت به عزاداری نشست.

## منابع


۱. ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق)، ***عیون اخبار الرضا***، ترجمهٔ محمدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، نشر صدوق، ۱۳۷۲ش.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، ***الکامل فی التاریخ***، تحقیق علی شیری، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، ***المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک***، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ***مناقب آل ابی‌طالب***، المکتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۷۶ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، ابی‌الفداء حافظ، ***البدایة و النهایة***، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۶. ابی الفداء، عمادالدین اسماعیل، ***المختصر فی اخبار البشر***، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، بی‌تا.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ***کشف الغمّة***، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۸. اصفهانی، ابوالفرج، ***مقاتل الطالبیین***، مکتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.
۹. حسین بن عبدالوهاب، ***عیون المعجزات***، مطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۶۹ق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، ***المستجاد من الارشاد***، کتابخانهٔ آیةالله مرعشی، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۱. رضوی، دزفولی، سیداحمد، ***زندگانی شمس الهدی حضرت علی بن موسی الرضا*** 7، ناشر بهرام طاهریان، ۱۴۱۷ق.
۱۲. سبط بن جوزی، ***تذکرة الخواص***، ذوی‌القربی، قم، ۱۴۲۷ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، ***اعلام الوری***، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الامم و الملوک***، مطبعة الاستقامه، قاهره، ۱۳۵۸ق.

۱۵. طبری (الصغیر)، محمد بن جریر، ***دلائل الامامة***، مؤسسه بعثه، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. عطاردی، عزیزالله، ***تاریخ آستان قدس رضوی***، عطارد، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ***روضة الواعظین***، تحقیق سیدمحمدمهدی سیدحسن خرسان، الشریف الرضی، قم، بی‌تا.
۱۸. قرشی، باقر شریف، ***پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا*** [7]، ترجمهٔ سیدمحمد صالحی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۹. مسعودی، علی بن حسین، ***مروج الذهب و معادن الجوهر***، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷ش.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، ***الارشاد***، ترجمهٔ سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیهٔ اسلامیه، تهران، بی‌تا.
۲۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ***تاریخ الیعقوبی***، دارالزهراء، قم، ۱۳۸۷ش.

خبری تحلیلی شهر، ۱۴ بهمن ۱۳۸۹؛ سایت http://shahr.ir/fa/news

، خبرگزاری شبستان، مورخهٔ ۱۳۹۱/۱۰/۲۱؛ http://shabestan.ir/NSite/FullStory/News

.، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱/۱۰/۲۳ http://www.irna.ir/fa/News